

## بحث در موضوعات حقوقی

# لائحه قانون کیفر عمومی

(۲)

خاتمه جنگ یا قحط یا مرض و غیره است .  
مفاد این ماده در بعض قوانین کیفری دیده نمیشود  
و گویا با اعتماد این بوده که عقلا معلوم و خلاف آن نقص  
غرض و کسر مصلحت قانون است ولیکن در بعض قوانین  
کیفری باین معنی تصریح شده از آن جمله قانون کیفر عمومی  
ایتالیا و لائحه قانونی فرانسه که ماده ۵ لائحه مزبور  
باین مفاد تنظیم شده :

« کیفر نمیتوان داد بعملی که در روز صدور حکم  
بموجب قانون جدیدی از بزه بودن خارج شده .

هر کیفری که برای عملی داده شده باشد که قانون  
متأخر از زمان صدور حکم آنرا غیر قابل کیفر شمرده از  
تاریخ تصویب آن قانون متأخر ملغی است .

باینحال هر گاه برای تخلف از قانون کیفری مخصوص  
به زمان محدودی تعقیب بعمل آید یا حکم کیفر صادر شود  
انقضای آن زمان محدود مانع از جریان تعقیب یا اجرای  
کیفر نخواهد بود . »

از جمله اخیر این ماده چنین مستفاد است که اگر  
در مورد قانون استثنائی یا موقت هیچگونه تعقیبی در  
زمان اعتبار قانون بعمل نیامده و وقت منقضی شده باشد  
دیگر تعقیب نمیشود زیرا مانع نبودن را مشروط بصدور  
حکم یا بعمل آمدن تعقیب قرار میدهد . ولیکن ماده ۴  
لائحه قانون کیفری ما عام است شامل موردی هم میشود  
که هیچگونه تعقیبی بعمل نیامده باشد و این به اصول  
نزدیکتر است .

خلاصه این بحث این شد که قانون برای آتی

ماده ۴- مقررات دو ماده پیش در مورد قوانین استثنائی  
و همچنین در مورد قوانین موقت اعمال نمیکردد .  
قوانین استثنائی و موقت قوانینی هستند که  
بر حسب اقتضای وقت و در مواقع ضرورت از قبیل زمان  
قحط یا زمان جنگ یا مرض عمومی بر خلاف اصول  
وضع میشوند . مثلا اگر در زمان قحط قانونی وضع  
شود که هر کس گندم ملک خودش را نگاهدارد و بکسانی  
که معین میشوند بعموض یا بلاعوض تسلیم نکند بفلان کیفر  
محکوم میشود . قانونی خواهد بود استثنائی و اگر در  
ماده که همین حکم را برقرار میکند وقتی معین شده باشد مثلا  
قید شده باشد که تا آخر سال . آن قانون موقت خواهد  
بود علت این عدم شمول این است که اگر مثل قوانین  
عادی فرض شوند همین قدر مردم دانستند که وقت نزدیک  
با انقضاء است و اگر تعقیب هم شوند قبل از صدور حکم  
قطعی قانون الغاء خواهد شد یا از اعتبار خواهد افتاد  
شروع میکنند بتخلف اگر مثلا حدس بزنند که قضیه  
جزائی از وقتی که تحت تعقیب واقع میشود تا روزی که  
حکم قطعی و قابل اجرا شود یکسال طول میکشد یک  
سال قبل از انقضای مدت قانون موقت شروع بتخلف  
خواهند کرد و بی مجازات خواهند ماند و این لطمه ایست  
هم بحیثیت قانون و هم بمصلحتی که قانون برای آن  
وضع شده . و بعلاوه در قانون موقت چون وقت جز . موضوع  
است قانون دائم میشود و بهمین قیاس قوانین استثنائی  
که آنهم نوعی از موقت است نهایت بطور صریح و واضح  
قید نشده که تا فلان مدت ولیکن معلوم است که تا موقع

وضع میشود و شامل گذشته نمیشود مگر در موارد خاصی که بعضی از آنها در ضمن این مواد معلوم شد و غیر از اینها موارد دیگری هم هست که قانون شامل زمان قبل از تصویب میشود؛ مانند قانون تفسیری که علت آن رفع ابهام از قانون دیگری است و بطبیعت شامل زمان پیش میشود زیرا مقصود از قانونی که پیش از آن وضع شده بیان میکند. و مانند قانون تصحیحی که برای اصلاح اشتباهی که در قانونی اتفاق افتاده بتصویب میرسد که این هم مثل قانون مفسر و در حکم اوست. و مانند بعض قوانین مربوط با امور سیاسی یا اداری مثلاً قانونی که محکومیت بجنحه یا جنایت را مانع از انتخاب شدن یا مانع از استخدام دولت قرار میدهد. و مانند قوانین راجع بتشکیلات قضایی و صلاحیت دادگاهها. مثلاً قانونی که تشکیل دادگاهها را تغییر میدهد یا رسیدگی بموضوعی را از صلاحیت دادگاهی خارج کرده بداد گاه دیگر واگذار میکند و لکن اینجا مورد بحث در این قوانین نیست.

ماده ۵۵ - قوانین جزائی ایران در باره هر ایرانی و

بیگانه ... تا آخر

دو ماده پیش شمول قوانین کیفری را از جهت زمان بیان کرد و این چند ماده شمول آنرا از جهت مکان بیان میکند و خلاصه اش این است که این قوانین در داخله کشور ایران حکومت دارند و ایرانی و بیگانه را شاملند و اختصاص بجائی یا بکسی ندارند - این اصل ناشی از حق حاکمیت ملی و مساوات افراد در مقابل قانون است و کاملاً عقلی است که هر کسی در داخل خانه خود آزاد باشد که هر طور میخواهد اداره کند و قانونی که وضع میشود شامل همه باشد ولیکن در عین حال قابل استثناء هم هست یعنی ممکن است بموجب قانونی از کسی سلب مسئولیت شود چنانکه در اصل ۴۴ متمم قانون اساسی ما. یا بر حسب معاهده که دولت ایران با دولت دیگر بسته پذیرفته شده باشد که بعضی اشخاص قابل تعقیب کیفری نباشند مثل بعضی مصونیت های سیاسی.

معااهده پس از آنکه تنظیم و تدوین و مورد موافقت دو دولت شد بتصویب مجلس میرسد و قانون میشود ولیکن چون بحسب شکل با سایر قوانین تفاوت دارد درین ماده و در بسیاری از مواد نظیر آن قانون و معاهده هر دو ذکر شده و لکن از حقوق بین الملل که در این گونه موارد آنها در ردیف قانون و معاهده قید میشود ذکر نشده و بنابراین خارج شدن از حیطه قوانین کیفری ایران در موردیکه قانون داخلی یا معاهده نباشد ممکن نخواهد بود هر چند بر حسب مقررات و رسوم بین الملل در آن گونه موارد مصونیت مسلم و متفق علیه ملل باشد.

و امامشمول شدن کسانی که در خارجه مرتکب بزه شده اند نسبت بقوانین ایران بعکس این است یعنی مشمول شدن دلیل میخواهد و دلیلش هم یا قانون است یا معاهده در صورتیکه در فرض اول خارج شدن دلیل می خواست.

ماده ۶ - هر کس در قلمرو ایران مرتکب جرمی

شود ... تا آخر

نفس عمل انسان هر چه باشد مادامی که ضرری بالفعل یا بالقوه بجامعه یا بفرد نرند بحکم عقل مباح و بر حسب قوانین اساسی ملل آزاد است و قوانین کیفری برای اعمالی وضع می شوند که نتایج مضر یا خطرناک دارند بنا برین در مورد هر حکم کیفری دو امر بنظر میرسد یکی اصل عمل که بحقیقت جز تحریک اعضا و جوارح عامل چیز دیگر نیست و دیگری حادثه که بر آن مترتب میشود یا بیم آنست که مترتب شود و باعث ممنوعیت آن عمل شده و چون این ماده برای بیان این حکم است که شمول قوانین کیفری ایران نسبت به اشخاصی که گذشت در صورتی است که در ایران مرتکب بزه شده باشند طبعاً این سؤال پیش می آید که اگر عمل دارای عناصری باشد و بعضی از آنها در داخل کشور

### ۱- بزه برضد شخصیت دولت ایران

همانطور که يك انسان یا يك حیوان یا يك درخت بر حسب اوصاف و خصوصیاتى که دارد شخصیت و تعیین پیدا میکند و یک فرد قابل اشاره حسى میشود يك کشور هم با لحاظ خاک و آبی که دارد و ملتی که در آن سکنی دارند و زبان و دین و عادات اولیه که دارند و نحوه حکومتی که آن کشور تحت آن اداره میشود و تاسیسات عمده دیگر که بر حسب قانون اساسی یا رسوم و عادات موروثی در آن کشور هست، يك شخصیتی پیدا میکند که اگر کسی بخیال تجزیه قسمتی از آن بفتند یا برای تغییر دادن نحوه حکومت یا بهم زدن تاسیسات درجه اول اقدامی کند بزهى برضد این شخصیت مرتکب شده که درین لایحه از آن بشخصیت دولت تعبیر شده و بنظر من اگر بشخصیت کشور تعبیر شود همانطور که در بعض جاها از همین لایحه این تعبیر هم دیده میشود بهتر خواهد بود بهر حال مقصود بز هائی است که در باب اول از کتاب دوم در ضمن چند فصل ازین لایحه آورده شده.

### ۲- ساختن شبیه مهر دولت

مقصود ساختن مهر است بنام دولت بدون اجازه و بتقلب یا بکار بردن مهری که باین کیفیت ساخته شده با علم بآن. و این همانست که در قانون فعلی از آن تعبیر بجعل شده و جعل در ماده ۹۷ قانون تعریف شده و شبیه بودن در آن قید نیست ولیکن درین لایحه بجای جعل شبیه سازی آمده.

### ۳- ساختن شبیه مسکوکاتی که قانوناً در کشور

ایران رواج است

قسمتی ازین شق هم همانست که در قانون فعلی به مسکه قالب تعبیر شده و شبیه سازی در آن هم قید است (ماده ۹۳) و قسمت دیگر که جعل اسکناس یا تمبر یا

ایران و بعضی در خارج ارتکاب شود یا عمل در داخل کشور ارتکاب شود و حادثه در خارج تحقق پیدا کند یا بعکس عمل در کشور بیگانه ارتکاب شود و حادثه در داخل کشور ایران تحقق یابد. حکم آن چه خواهد بود مثلاً کسی که درین طرف مرزاست با تیر تفنگ کسی را که در آن طرف مرزاست بکشد یا مجروح کند یا در خارج ضربی بکسی زده و آن شخص پس از چندی در داخل کشور ایران وفات یافته باشد یا بعض عملیات سکه زنی را در خارج انجام داده بقیه آنرا در داخل کشور ایران با تمام رساند - بموجب این ماده در تمام این صورت ها بزه مشمول قوانین کیفری ایران میشود - اگر کشور بیگانه هم چنین ماده در قانون کیفری خود داشته باشد آن عمل مشمول قانون آن کشور نیز خواهد بود و در هر جا دستگیر شد بر طبق قانون آن جا با او رفتار خواهد شد.

درین ماده این تعبیر (عملی که موجب جرم است)

باینکه جرم عبارت از همان عمل است ظاهراً تعبیر خوبی نیست و معلوم است که مقصود از آن عملی است که موجب حادثه مضر یا خطرناک گردیده و چون آن حادثه علت جرم بودن عمل شده از آن بمجاز بجرم تعبیر شده و اگر بجای (موجب جرم) موجب حادثه جرمی گذاشته شده بود و هم کلمه حادثه که در سطر بعد است حادثه جرمی میشد بنظر من ترجیح میداشت.

ماده ۷ - ایرانی یا بیگانه که در خارج ایران

مرتکب یکی از جرائم ذیل شده باشد... تا آخر

در ماده ۵ این لایحه گذشت که مقیمین در خارج

ایران در مواردی که قانون ایران تعیین میکند تابع قوانین

کیفری ایران خواهند بود - این ماده همان قانون است و

مرتکب ۵ قسم بزه را که در این ماده شمرده شده تابع

قوانین کیفری ایران قرار میدهد.

بر حسب تریاک و مانند آنست در قانون فعلی تحت عنوان جعل ذکر شده « شق ۹ ماده ۹۸ بعنوان بلیط یا اسکناس بانک » .  
در اینجا بهمین اکتفا میکنیم بحث در اینکه شباهت در جعل لازم است یا نه و بر فرض لزوم تا چه اندازه کافی است در باب خودش خواهد آمد .

خلاصه این ماده این است که این چند نوع بزه که دارای اهمیت خاصی هستند اگر کسی در خارجه مرتکب شود در ایران دادرسی و بر طبق قانون کیفر ایران کیفر داده خواهد شد.

حسن مشکان طبسی

## در خصوص رهن

### رهن از حیث معنی

رهن لفظی در فارسی بمعنای گرواست و بمعنای ثبات و دوام و حبس نیز اطلاق شده و در عرف قانون وثیقه دین مرتهن است .  
رهن از عقودی است که باعتبار رهن لازم و به اعتبار مرتهن جایز است و طرف ایجاب و قبول میخواهد خواه بوسیله لفظ باشد و خواه بوسیله اشاره یا کتابت که قصد در آن شناخته شده باشد .

### طرفین عقد رهن

راهن ر مرتهن (مدیون و دائن) باید بالغ و عاقل و رشید و جائز التصرف بوده باشند - ولی طفل و قیم او وقتی اقدام باستقراض مینمایند که مصلحت حفظ مال صغیر اقتضای اقدام به آنرا داشته باشد مثل آنکه هرگاه خانه اش را تعمیر نکند منجر بخرابی میشود و همچنین هرگاه مرتهن بخواهد مال صغیر را قرض دهد باید این عمل مقرون بمصلحتی بوده و میتواند برای استیفاء دین اخذ رهن کند .

### شرط وکالت در ضمن عقد رهن

هرگاه در ضمن عقد شرط وکالت برای مرتهن یا

دیگری بشود این شرط لازم است و رهن حق فسخ ندارد و چون وکالت در ضمن عقد رهن که از عقود لازمه است انشاء گردیده است نمیتوان وکالت را قابل فسخ دانست زیرا که چون وکالت ضمن عقد رهن ایجاد شده و از طرفی رهن عقدی است دائم حق فسخ منافی بادوامی است که لازمه عقد مزبور است - وکالت بموت راهن یا مرتهن باطل میشود و بوارث منتقل نمیکرد زیرا که وکالت استنابه در عمل است از غیر و پس از فوت منوب عنه او قادر بر عملی نیست تا نایب او که عملش فرع عمل اوست بتواند آنرا انجام دهد و چون وکالت اختیاری است که بشخص معلومی اعطاء گردیده است پس از فوت دیگر و کیای نیست تا وکالت باقی بیا بدیگری منتقل شود مگر آنکه در ضمن عقد وکالت وراثت شرط شده باشد

### شرایط و اوصافیکه باید در مال

### • رهونه باشد

مال الرهانه باید عین مملوک باشد که قابل قبض و بیع باشد خواه عین مزبور مشاع بوده یا مفروز باشد زیرا که مقصود از رهن تمکن براستیفاء دین از مال - الرهانه است و اگر غیر عین مملوک که قابل تسلیم باشد